

شماره ۱۷

مجله تخصصی سیمرغ باریخ

اندیشکده سیمرغ باریخ

ایران نهوکراتیک



مدیر اجرایی : دکتر مرجان نقوی

مدیر فنی و ناظر کیفی انتشار: نوری

فهرست سیمرغ باریخ

- سخن سیمرغ باریخ
- ایران دموکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد
رابرت دی کاپلان
- اومانيسم رهایی و آدمیت ایرانی از هارتلند – ریملند بزرگ تا جغرافیای جهانی
مهدی مطهرنیا
- بررسی یک اثر آینده اندیشانه در ایران ما:
پیش‌بینی روند تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در دوران پسامهسا (۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳)



سخن سیمرغ

سال نو میلادی در حالی آغاز شد که بشریت در قالب های گوناگون هویتی خویش بیش از هر زمانه ی دیگری در این زمان، به آینده می اندیشد.

بررسی ابعاد آنچه در سال پیشاروی به وقوع می پیندد را به شماره های بعدی ارجاع می دهیم که به آغاز سال ۱۴۰۲ هجری ۰- شمسی نزدیک می شویم.

انتشار مقاله رابرت دی کاپلان در باب ایران بررسی اعتراضات را با چالش روبرو ساخت. ادامه نوشتار ایران در زیر پوست اعتراضات را به شماره بعد می سپاریم. بر آن است که در این شماره مقاله تکمیلی در باب این دیدگاه کاپلانی را بنگارم.

در این شماره به ارائه نمایه ای از کار خوب دوست ارجمندمان کوروش برارپور در باب تجولات ایران کنونی و پیش بینی آن توجه شده است. در شماره بعد آن مقاله همراه با ادامه بررسی ایران در پوست اعتراض و پیش بینی تقدیم حضورتان خواهد شد.

سیمرغ باریخ

مهدی مطهرنیا



ایران دموکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد

رابرت دی کاپلان

اگر آخوندها سقوط کنند، ایالات متحده ممکن است متحد بهتری در تهران نسبت به پادشاهی های خلیج فارس پیدا کند.

مقدمه سیمرغ باریخ بر مقاله رابرت. دی. کاپلان

رابرت دی. کاپلان دارای کرسی ژئوپلیتیک رابرت استراوس هوپه در موسسه تحقیقات سیاست خارجی است. وی را می توان بعد از هنری کسینجر و برژنسکی از استراتژیستین های نسل دوم عصر حاضر ایالات متحده آمریکا دانست. او نویسنده کتاب آینده "ذهن تراژیک: ترس، سرنوشت و بار مسئولیت قدرت" است.

دقت کنیم رابرت کاپلان با نام میانی استیون (Steven) همان نام معروف حوزه مدیریت استراتژیک است و رابرت کاپلان با نام میانی دیوید (David) در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل فعالیت می کند و می نویسد. این کاپلان همان دومی است که در بسیاری از مواقع نام او به دلیل همین نزدیکی اسامی، و بستر استراتژیک مشترک آن ها با یکدیگر خوانندگان و دنبال کنندگان این دو را به اشتباه می افکند.





رابرت استیون کاپلان



رابرت دی. کاپلان

این همان «رابرت دی. کاپلان»، روزنامه نگار و نویسنده سرشناس آمریکایی است که در کتاب جدید خود با عنوان «انتقام جغرافی، نقشه ها در مورد کشمکش های آینده و نبرد علیه سرنوشت چه می گویند» تاریخ مناطق بحران زای جهان را از منظر برتری ها و نقاط ضعف جغرافیایی آنها بررسی کرده است.

او بخش های مهمی از این کتاب را به ایران که به تعبیر وی اولین ابرقدرت جهان باستان بوده و همینطور کشورهای قدرتمند امروزی مثل روسیه و آمریکا اختصاص داده است.

نوشتار جدید او در بلومبرگ را از طریق شبکه های مجازی دوستانی که با نظریات من من جمله نظریه هارتلند - ریملند بزرگ و سه گانه های آنگونه آشنا هستند و دیدگاه های اخیر



من را در باب تحولات کشور عزیزمان ایران دنبال می کنند، برایم ارسال کردند. اجازه بدهید بگویم آه از نهادم برآمد. چرا؟ برای این که حتما باید یک عنوان انگلیسی و یا در مجموع خارجی بگوید و بنویسد تا آن مسأله در میان بسیاری و نه همه ی ایرانیان!! مورد توجه قرار گیرد.

از این رو مقاله را ترجمه کردم تا شما هم بخوانید و در باب آن در مقاله ی مکمل بر این اساس سخن و نظریه ی خود را بیان کنم.

تلاش شده است که در ترجمه به واژگان کاربرده شده در مقاله مانند «آخوندها»، متعهد باشد تا فضای ادراکی نویسنده ی متن نگارش شده به طور کامل به خواننده منتقل شود. همان گونه که بیان شد این مقاله با مقالهی برگرفته از نظریات دو دهه اخیر در سیمرغ باریخ و نگارش های من در این باب مورد پروا قرار خواهد گرفت.

دلیل اصلی آن هم این است که بدانیم قبل از آن که دیگران زنگ ها را به صدا در آورند، به زنگ هایی که نیروهای موجود در میان ایرانیان با عشق به ایران به صدا در می آورند، توجه کنیم. به دنبال تأیید نباشیم بلکه به دنبال تبیین و راه حل های حا مسایل قبل از سناریوپردازی های دیگران بپردازیم. آینده ایران و ایران آینده بیش و پیش از هر چیزی به «خردورزی آینده اندیشانه» نیازمند است.

مهدی مطهرنیا



A Democratic Iran Is Coming and It Will Lead the Middle East

If the mullahs fall, the US may find it has a better ally in Tehran than it does in the Gulf monarchies.

ایران دموکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد
اگر آخوندها سقوط کنند، ایالات متحده ممکن است متحد بهتری در تهران نسبت به
پادشاهی های خلیج فارس پیدا کند.

یک دوره ۴۴ ساله در خاورمیانه بزرگ ممکن است به پایان برسد، زیرا
منطقه شروع به چرخش بر محور خود می کند.

در اوایل سال ۱۹۷۹، رژیم اسلامی رادیکال تحت رهبری آیت الله روح الله خمینی، محمدرضا شاه پهلوی را در ایران سرنگون کرد و آشفتگی انقلابی را در سراسر - منطقه ی موسوم به - شام -خاورمیانه - گسترش داد و سلطنت های محافظه کار عرب خلیج فارس را به چالش کشید. منطقه هرگز یک دست نبود، زیرا شبه نظامیان مورد حمایت ایران جنگ های داخلی موجود را تشدید کردند و جنگ های جدیدی را آغاز نمودند.



ایران در داخل، چند دهه گذشته را به عنوان جامعه ای تیره و تار، سرکوب شده و نسبتاً فقیر گذرانده است. هنری کیسینجر به من گفت که اگر خاندان پهلوی در قدرت باقی می ماند، ایران با توجه به دولت قوی و غنای تمدنی اش، به یک سلطنت مشروطه با اقتصادی قابل مقایسه با کره جنوبی تبدیل می شد.

اکنون رژیم تحت تاثیر ماهها تظاهرات گسترده علیه حجاب، ناآرامیها در سراسر تقسیمات اقتصادی، آموزشی و منطقه‌ای قرار گرفته است. شکاف هایی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی شروع به ظهور کرده است. از آنجایی که ایران نقطه محوری ژئوپلیتیک خاورمیانه است، هیچ چیز به اندازه یک رژیم لیبرال تر در آن منطقه در ماه ها یا سال های آینده پتانسیل تغییر منطقه را ندارد.

در حالی که بسیاری از کشورهای عربی که در طول بهار عربی دچار هرج و مرج شدند، مرزهای مصنوعی دارند که توسط اروپاییها ترسیم شده است - به جای اینکه کشورهای قوی تاریخی باشند، آنها صرفاً بیان‌های جغرافیایی مبهم هستند - هیچ چیز مصنوعی در مورد ایران وجود ندارد. ایران با جمعیت تحصیلکرده ۸۵ میلیونی، بزرگتر از هر کشور عربی به جز مصر، مترادف با فلات ایران، یکی از ویژگی های جغرافیایی حیاتی منطقه است. این فلات از غرب به بین النهرین و از شمال شرق بر آسیای مرکزی مشرف است و بر آن تأثیر می گذارد.

ایران نه یک، بلکه با دو منطقه وسیع تولیدکننده انرژی روبرو است، خلیج فارس که خطوط کشتیرانی از آن تابش می کند و دریای خزر که خطوط لوله نفت و گاز از آن می آیند. این کشور بیش از هر کشور دیگری در خاورمیانه دارای ذخایر گازی است و از نظر ذخایر نفتی پس از عربستان سعودی در رتبه دوم قرار دارد.

اما فراتر از جبرگرایی نقشه و ژئوپلیتیک، چیزی وجود دارد که مورخ بریتانیایی مایکل آکسورثی آن را «ایده ایران» می نامد. از این منظر، ایران، مانند یونان و چین باستان، یک



جاذبه تمدنی است که مردمان و زبان های مجاور را به قلمرو زبانی خود می کشاند. دری، تاجیکی، اردو، هندی، بنگالی و عربی عراقی همه یا انواعی از فارسی هستند یا به میزان قابل توجهی تحت تأثیر آن هستند. سفر از بغداد به سمت شرق به کلکته به معنای قرار گرفتن در یک مدار فرهنگی ایرانی است.

ایران در جمهوری های نسبتاً سکولار آسیای مرکزی شوروی سابق، به ویژه به دلیل وجود اسلام شیعی در آن جا، جذابیت اجتماعی و اقتصادی زیادی دارد. با این حال، توانایی ایران برای استفاده از فرهنگ خود برای نشان دادن قدرت سیاسی توسط آخوندها تضعیف شده است. این نفوذ می تواند توسط یک ایران دموکراتیک تر آزاد شود.

برای دیدن پیچیدگی سیاسی پست مدرن ایران، باید به جنبش سبز نگاه کرد، تظاهرات ضد رژیم پس از انتخابات مورد مناقشه سال ۲۰۰۹. سبزه ها دو سال قبل از بهار عربی، توییت، فیس بوک و پیامک را برای سازماندهی خود تسلط داشتند. تمام ابزار دولت ایران برای درهم شکستن آنها نیاز داشت.

قیام کنونی رسانه های اجتماعی را به سطح نوآورانه تری رسانده است و حجم سازمانی را برای سرنگونی رژیم بدون بهره مندی از یک رهبر کاریزماتیک یا حتی توانایی برگزاری جلسات استراتژیک حضوری فراهم کرده است. تصویری که در شبکه های اجتماعی از بوسیدن دو جوان در ملاء عام دست به دست شد، نبوغ نمادینی را در خود داشت، زیرا همه چیزهایی را در بر می گرفت که انقلاب اسلامی جوانان خود را انکار کرده است.

این تمدن پست مدرن و جهانی شده است: هواپیماهای بدون سرنشین، موشکی، جنگ سایبری و برنامه های هسته ای ایران همگی نمونه هایی، هرچند منفی، از پیچیدگی ایران هستند - که در یک زمینه سیاسی متفاوت می تواند آن را به یک قدرت اقتصادی، نظامی و فرهنگی در سطح متوسط تبدیل کند^۱.

^۱ نگاه کاپلان متکی بر مکتب تفسیری امنیت در دسته بندی قدرت کشورها در عرصه امنیت بین المللی است. (مترجم)



اکنون، پس از نیم قرن تاریکی، می‌توانیم در آغاز پایان باشیم. همان گونه که انقلاب اسلامی شاهد انتقال قدرت نسبتاً یکپارچه از شاه به آخوندها بود، ایران نیز می‌توانست شاهد انتقال قدرت دیگری به همان اندازه چشمگیر باشد.

ایران ممکن است از نظر ژئوپلیتیکی به اندازه کافی منسجم باشد تا از هرج و مرج همراه با اشتیاق به دموکراسی در کشوری که به طور مصنوعی ترسیم شده است مانند عراق همسایه باشد. در مورد چشم انداز دموکراسی ایران بدبین نباشید.

یک رژیم پس از انقلاب، یا به ویژه یک رژیم ضد انقلابی که آیت الله‌ها را انکار می‌کند، می‌تواند خاورمیانه را به همان اندازه تغییر دهد که فروپاشی دیوار برلین اروپا را تغییر داد.

برای دهه‌ها، واشنگتن از خودکامگی‌های کشورهای عربی محافظه‌کار خلیج فارس؛ علیه ایران شدیداً ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی حمایت کرده است. این پادشاهی‌ها ممکن است دموکراسی نباشند، اما امارات و پادشاهی‌های قابل احترامی هستند که به گونه‌ای مصنوعی - خارج از پذیرش - تصور نشده‌اند و نسبتاً خوب اداره می‌شوند. عربستان سعودی ممکن است به طور قابل توجهی به انسان‌دوستان غربی توهین کند، اما از فناوری برای ساده‌سازی حکومت استفاده کرده است و اخیراً به زنان اجازه داده کمتر لباس بپوشند - حجاب اجباری نداشته باشند - و زندگی عادی‌تری داشته باشند.

علیرغم تنش بین دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور جو بایدن و شاهزاده محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، دوستی تاریخی بین واشنگتن و این رژیم‌های عربی پایه محکمی دارد. با این وجود، در آینده می‌توان شاهد نزدیک‌تر شدن ایالات متحده به ایران تازه دموکراتیک، و در عین حال کمک به میانجی‌گری توافق‌نامه‌های صلح با آن و اسرائیل، و همچنین با اعراب خلیج فارس بود.



البته رقابت بین ایران و کشورهای عربی حتی در صورت سقوط آخوندها به پایان نمی‌رسد، اما به خوبی می‌تواند با تهران جدیدی که از ماجراجویی منطقه ای رویگردان شده و بر توسعه داخلی متمرکز است، کاهش یابد.

در واقع، اگر تهران به اهداف خصمانه خود در یمن و جاهای دیگر پایان دهد و برنامه‌های تسلیحاتی خود، اعم از هسته‌ای و غیره را محدود کند، پادشاهان خلیج فارس از ایران دموکراتیک استقبال می‌کنند - و با وجود رژیم‌های خودکامه خود هیچ تناقضی در آن نمی‌بینند. خلاص شدن از دست جناح رادیکال آخوندها و خاورمیانه می‌تواند وارد یک دوره صلح نسبی شود. عراق، سوریه و لبنان همگی می‌توانند به تدریج بدون حضور شبه نظامیان مورد حمایت ایران به ثبات برسند.

و در حالی که ایران عرب نیست، نمایش چشمگیر دموکراسی در آنجا می‌تواند تأثیر مثبتی بر سیاست‌های نوظهور شمال آفریقای عربی، از جمله مصر، داشته باشد، جایی که رژیم‌ها نسبت به کشورهای خلیج از روشنگری کمتری برخوردارند.

البته یک کارت وحشی جدید^۲ - شگفتی آفرین و برهم زننده ممکن بازی - در این مورد وجود دارد. چین، و اینکه چگونه یک خاورمیانه جدید با افزایش نفوذ پکن واکنش زنجیره ای نشان می‌دهد. همانطور که سعودی‌ها در اوایل سال جاری در سفری به من سخت می‌گفتند، چین با تجارت زیاد، نیاز شدید به نفت خلیج فارس و بدون سخنرانی اخلاقی درباره حقوق بشر یا دموکراسی پای میز مذاکره می‌نشیند. گرسنگی چین برای هیدروکربن‌ها تا حدودی روند جهانی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را در سال‌های آینده جبران می‌کند.

یک ایران دموکراتیک به همه اینها پیچ و تاب می‌بخشد. نه تنها - تا حد زیادی - از نظر اقتصادی پویاتر از دولت فعلی ایران خواهد بود، بلکه به دلیل جغرافیا و ژئوپلیتیک، یک

² wild card



نقطه اتصال حیاتی برای طرح کمربند و جاده چین خواهد بود. چینی‌ها اهمیتی نمی‌دهند که ایران دموکراتیک باشد و رژیم جدید ایران نیز خواهان توسعه بیشتر خطوط حمل و نقل زمینی - راه آهن، جاده و خطوط لوله - به چین است. چنین ایران پر جنب و جوش، حتی با نیت خوب، اعراب خلیج فارس را به اندازه کافی عصبی می‌کند که نیاز به حمایت ایالات متحده در چارچوب امنیتی جدید داشته باشند.

یک ایران پسا آخوندی به دلیل تجربه‌ای که با آخوندها داشت، در ابتدا بسیار طرفدار غرب بود. اما با گذشت زمان، از آنجایی که این کشور به یک پازل بزرگ از یکپارچگی اوراسیا تبدیل شد، ممکن است حتی روابط قوی‌تری با چین مستبد نسبت به آلمان کنونی ایجاد کند.

به عبارت دیگر، خاورمیانه صلح‌آمیزتر و یکپارچه‌تر می‌تواند به دلیل رقابت با پکن، در واقع چالش جدیدی را برای ایالات متحده ایجاد کند. حدود ۸۵ میلیون نفر از یک سرزمین بسیار استراتژیک به طور ناگهانی در اقتصاد جهانی ادغام خواهند شد. ایران به معدن طلا برای تجارت بین‌الملل و جدایی‌ناپذیر مرحله بعدی جهانی شدن تبدیل خواهد شد. یک ایران دموکراتیک، جهان پسا آمریکا را آنقدر که آن را پیچیده و متنوع می‌کند، تقویت نمی‌کند.

بدیهی است که سناریوهای سیاسی کمتر دلپذیر برای ایران امکان‌پذیر است، مانند رژیمی به رهبری سپاه پاسداران ایران، که سیاست خارجی و دفاعی رادیکال ایران را ادامه دهد، البته با نرمش اجتماعی بیشتر در داخل. یا یک ایران تا حدودی آشفته، کمتر تحت کنترل مرکزی و ضعیف‌تر، تا حدی دموکراتیک، با خودمختاری مجازی که توسط اقلیت‌های بزرگ کرد، آذری، ترکمان و بلوچ در امتداد حواشی دولت گرفته شده است.

هیچ کس نمی‌توانست پایان رژیم شاه را تا زمانی که واقعاً اتفاق بیفتد تصور کند. اکنون می‌توانیم به طور واقع بینانه پایان رژیم آخوندی - و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن را تصور کنیم.



اومانيسم رهايي و آدميت ايراني از هارتلند - ريملند بزرگ تا جغرافياي جهاني^۳

مهدی مطهرنیا^۴

مقدمه

تحولات جاری ایران ۱۴۰۱ که با نام های گوناگونی چون جنبش اعتراضی، گرفته تا جنبش انقلابی و انقلاب نوین ایران از آن یاد آمده است مورد پروای جدی قرار گرفته است. از این تحول سالی پیش از آغاز تحت عنوان کدگذاری شده ی «مهرضیه^۵» بر اساس مکتب «نظام جامع شناخت و رادار آینده ها» در باریخ شناسی کاربردی یاد آورده و در شبکه های اجتماعی آن را گوشزد نموده بودم.

اخیرا مقاله ای از رابرت. دی کاپلان در بلومبرگ منتشر شد. این مقاله با عنوان « اومانيسم رهايي و آدميت ايراني از هارتلند - ريملند بزرگ تا جغرافياي جهاني»^۶ منتشر شد و برای من نیز توسط دوستان اندیشکده سیمرغ باریخ که بادیدگاه های من آشنا بودند، ارسال گشت. آن را ترجمه کردم^۷ و وعده نمودم که مقاله ای موجز و در همان حال تکمیلی در این ارتباط را که با "واژه سارهای اومانيسم رهايي و آدميت ايراني" مطرح کرده ام، منتشر سازم.

^۳ Liberation liberation humanism and Iranian humanity from Heartland - Great Rimland to global geography

^۴ رئیس هیأت مدیره و ریاست اندیشکده آینده اندیشی سیمرغ (سیمرغ باریخ)

^۵ Mehraziah

^۶ A Democratic Iran Is Coming and It Will Lead the Middle East

<https://www.bloomberg.com/opinion/articles/۲۰۲۲-۰۷-۱۶/russia-ukraine-war-romania-fears-it-may-be-next-on-putin-s-hit-list>

^۷ <https://barikhnews.com/۱۰-۱۲-۳/>



ریشه های این اندیشه را می توانید در کتابچه ی «پاسخ به رئیس جمهور» ردیابی نمائید. این کتابچه در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) منتشر شد.^۸

نظریه هایی مانند هارتلند - ریملند بزرگ ، به همراه دیدگاه هایی برای گذار از دهکده جهانی مک لوهان و جهان مسطح فریدمن به همراه «سه گانه های آبگونه» ی اتاق شیشه ای، گوی بلورین، و فلک آبگینه من، در همین راستا قابل تأمل و برساخته شده اند. من همه این نظریات را در یک مجموعه پیوسته و در همان حال مجزا مطرح کردم. اکنون با مطرح شدن این مهم زمان آن فرا رسیده است که آشکارتر و در یک مجموعه این مهم مورد توجه قرار گیرد و با ورود به سال ۲۰۲۳ و آستانه وارد شدن به سال ۱۴۰۲ هجری شمسی در ایران به آن بپردازیم. این تنها یک مقاله با رویکرد آینده اندیشانه است. تلاش دارد به آن چه امروز و در هزاره سوم میلادی می تواند در قرن بیست و یکم اثری جهانی به جا بگذارد بپردازد.

جهان در شتاب

دیگر سرعت^۹ در بیان تحولات گوناگون در سطوح متعدد جهان پاسخگو نیست. باید "شتاب"^{۱۰} را به کار برد. این شتاب در همه وجوه حیات بشر در حال اثرگذاری در هندسه درونی و بنیاد های قدرت در جهان آینده است.^{۱۱}

^۸ <https://t.me/Mmotaharnia/6062>
<https://t.me/Mmotaharnia/5826>

^۹ Speed

^{۱۰} Acceleration

^{۱۱} برای مطالعه: مطهرنیا، مهدی، (۱۳۹۶)، آینده قدرت، انتشارات فارابی



این شتاب تنها گریبانگیر یک کشور یا منطقه نخواهد شد. تغییر همه ابعاد برونی و درونی را هدف قرار خواهد داد. تنها هندسه زبرین قدرت در سطح بیرونی تغییر نخواهد کرد. قرن بیست و یک را قرن «روح مصنوعی»^{۱۲} و «شکافت زمان»^{۱۳} خوانده ام.

جغرافیای قدرت بار دیگر هندسه منطقه بندی قدرت را تجربه خواهد کرد. اما این بار این تجربه نسبت به گذشته ها از نظر ماهیت مفهوم قدرت متمایزتر از همیشه خواهد بود. دگرگونی تنها در هندسه جهانی قدرت نخواهد بود. بلکه در جوهره و ماهیت قدرت تکانه های مهمی روی خواهد داد.

اما، باور دارم، یکی از مهم ترین نقطه های گره ای این تغییر شتابناک در "نوهارتلند" یعنی فلات ایران با مرکزیت تهران خواهد بود جداسازی سه مجموعه به هم پیوسته ژئوپلتیک «هارتلند نو، نوهارتلند و هارتلند علیا یا بالا در برابر سفلی» را در نظریه هارتلند ریملند بزرگ^{۱۴} از اوایل دهه ۲۰۰۰ م. جدا ساخته ام. نو هارتلند قفل طلایی کمربند هارتلند – ریملند

¹² Artificial Spirit or Artificial Soul

¹³ Instant Fission

¹⁴ <https://t.me/Mmotaharnia/5721>



بزرگ^{۱۵} است و هلال آن از تنگه هرمز تا خلیج عدن و دامنه آن تا تنگه باب المندب را در بر می گیرد. نو هارتلند این بار نیز «پل پیروزی^{۱۶}» است.

تمام نشانگان ضعیف، متوسط، و قدرتمند^{۱۷}، همراه با تحلیل پیشران های موجود نشان از تغییرات بزرگ و در همان حال نسبت به گذشته پرسرعت دارند. این تغییرات بیش از هرچیز در پیشانی پیشرانه ها تحت اثرات «مرگ فاصله ها» ناشی از گسترش و توسعه فناوری های ارتباطی میان آدمیان می باشد. من عصر آینده را از این جهت «دوران شبکه های فرااجتماعی MSN^{۱۸}» نامیده ام. در این دوره پیشاروی ما شاهد مرگ رسانه^{۱۹} ها در رسانه^{۲۰} خواهیم بود.

کاپلان در مقاله ی اخیر خود می نویسد: «در حالی که بسیاری از کشورهای عربی که در طول بهار عربی دچار هرج و مرج شدند، مرزهای مصنوعی دارند که توسط اروپایی ها ترسیم شده است - به جای این که کشورهای قوی تاریخی باشند، آن ها صرفاً بیان های جغرافیایی مبهم هستند - هیچ چیز مصنوعی در مورد ایران وجود ندارد. ایران با جمعیت تحصیلکرده ۸۵ میلیونی، بزرگتر از هر کشور عربی به جز مصر، مترادف با فلات ایران، یکی از ویژگی های جغرافیایی حیاتی منطقه است. این فلات از غرب به بین النهرین و از شمال شرق بر آسیای مرکزی مشرف است و بر آن تأثیر می گذارد. در این تصویر همان نو هارتلند را می توان

¹⁵ Golden Lock of Heartland Belt - Great Rimland

¹⁶ Victory Bridge

¹⁷ Signal: weak, medium, Strong

¹⁸ the era of Meta-Social Networks

¹⁹ Conductor

PHYSICS

a material or device that conducts or transmits heat, electricity, or sound, especially when regarded in terms of its capacity to do this.

graphite is a reasonably good conductor of electricity

²⁰ Media



بازیافت. کمر بند طلایی قدرت در قرن بیست و یکم میلادی و قفل کمر بند هارتلند - ریملند بزرگ در همین جا است.

این قرن در آستانه هزاره سوم آغازی مهم تر از همه ی آغازها در یک روند معنادار، ولی بخش مهمی از شروع عصر جدیدی در تاریخ زندگی آدمیت است که بیش از هر چیز به احتمال بالا تحت اثر «اومانیسم رهایی و آدمیت ایرانی»^{۲۱} قرار خواهد گرفت. آن چه در ایران امروز رخ می دهد می تواند شتاب دهنده یا از نیروهای پیشران^{۲۲} مهم ؛ بلکه مهم ترین پیشرانه در این روند باشد.

ایران دموکراتیک و رهبری جهان

کاپلان نوشته است: «ایران دموکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد». من می گویم: «ایران دموکراتیک در راه است و جهان را تکان خواهد داد».

مهم ترین پرسش در سطوح گوناگون تحلیل در میان موافقان و مخالفان تحولات موجود در ایران؛ این است که آیا تحولات منتهی به ۱۴۰۱ می توانند به انقلابی تمام عیار تبدیل شوند که بتواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند؟ من به بالاتر از این می اندیشم. این که جنبش سبز در دهه ۱۳۸۰ ه. ش در ایران اگر بر بهار عربی یا انقلاب یاس و نان اثر گذاشت این موج می تواند تغییرات قدرتمند تری بر روی آن امواج فراهم

²¹ Liberation humanism and Iranian Humanity

²² Driver forces



آورد. دگرگون سازی ریشه داری که دهه ها پیش در شرق و با مرکزیت فلات ایران و نوهارتلند آغاز شده است.

کاپلان نوشته است: «ایران دموکراتیک در راه است و خاورمیانه را رهبری خواهد کرد». من می گویم: «ایران دموکراتیک در راه است و جهان را تکان خواهد داد».

با این دوره از تحولات می تواند موج قدرتمندی از تغییر آغاز شود که تمامی جهان را تحت پیامدهای اثرات خود قرار دهد. برخی معتقدند که «پل» قبلاً رد شده است: من هم می گویم گذرگاه قبلاً آغاز شده است. آنچه که با تظاهرات پراکنده علیه قوانین پوشش محدود برای زنان آغاز شد - که با مرگ مهسا امینی در بازداشت پلیس اخلاق آغاز شد - مدتهاست که به فراخوان های تمام عیار تبدیل شده است. اما این تنها حکومت در تهران را نشانه نخواهد رفت. ایرانیان باید به والاتر از این بیانیدهند. در اینجا ایرانیان مجموعه بهم پیوسته ای از مردمان ایران زمین موافق و مخالف در داخل و خارج از جغرافیای ایران زمین ولی داخل در اومانیسیم رهایی و آدمیت ایرانی هستند که اگر فرصت را دریابند جهش یا موتاسیون بزرگی را شاهد خواهند بود اکنون زمان «پرواز بلند^{۲۳}» فر رسیده است

انقلاب ۵۷

در تئوری از پیروزی تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران^{۲۴} انقلاب ها را از پگاه آغاز عملیاتی آن ها در چهار فصل جدا ساخته ام:

1- فصل انفجار انقلابی

2- فصل وضعیت انقلابی

3- فصل انتظار انقلابی

4- فصل انعکاس انقلابی

فصل چهارم از این سال کامل انقلاب ها را به دو نتیجه پایانی متمایز جدا ساخته ام.

✓ انعکاس – اعتبار

✓ انعکاس – اعتراض

انقلاب ها آغاز می شوند . رژیم ها را دگرگونه می سازند. این «واقع پیروزی^{۲۵}» است.

اما، «حقیقت پیروزی» یا «واقعیت پیروزی^{۲۶}» نیست. ^{۲۷}

ایران امروز اکنون در فصل چهارم قرار دارد. فصلی سخت که از همه فصول گذشته

مهم تر و حیاتی تر است. فصلی که سال هایی بالغ بر یک قرن کوشش ملت ایران را

در دوره مدنیت و مدرنیسم با عمه ی تجارب سخت آن پشت سر دارد.

²⁴ <http://ensani.ir/fa/article/11068/%D8%AF%D8%B1-%D8%AF%DA%AF%D8%B1%DA%AF%D9%88%D9%86-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AF%DB%8C%D9%86>

²⁵ Victory Actually

²⁶ Victory Truth or Reality

^{۲۷} مفهوم شناسی سند چشم انداز: شاخصه ها و الزامات فراروی انقلاب اسلامی. نویسنده: مهدی مطهرنیا. منبع: اندیشه انقلاب اسلامی بهار و تابستان ۱۳۸۴ شماره ۱۳



در مقاله «در دگرگونی سازی های دین»، به تاریخ ۱۳۸۶ هجری شمسی نوشتیم: «انقلاب‌ها، در پرتو پیروزی بر رژیم حاکم «واقعیت پیروزی» را ادراک می‌کنند و در بستر پیروزی واقعی حاصل از سرنگونی رژیم کهن، نظام جدیدی را استقرار می‌بخشند که مولود حرکت انقلابی حاصل از دگرگونی‌های اجتماعی است. استقرار نظام جدید و پیروزی‌های بعدی در فصول زمان پس از پیروزی انقلاب نیز اهمیتی جدی و حتی بسیار بیشتر از قبل از پیروزی انقلاب دارند.

از آغازین مرحله دستیابی به «واقعیت پیروزی» تا دستیابی به «حقیقت پیروزی» یا پیروزی حقیقی انقلاب‌ها، چهار دوره طی می‌شود: ۱- دوره انفجار انقلابی؛ ۲- دوره وضعیت انقلابی؛ ۳- دوره انتظار انقلابی؛ ۴- دوره انعکاس انقلابی.

این دوره‌ها را باید در تطبیق تاریخی انقلاب‌ها مورد توجه قرار داد. اگرچه نقطه آغازین انقلاب اسلامی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دانسته می‌شود، دوره «انفجار انقلابی» با حضور مسجل و مسلم «دین»، که در عرصه تحرک انقلابی و در ساحت تعریف سیاسی از گزاره‌های دینی - قبل از این دوران در مقام زمینه‌پرور و زمینه‌ساز تسریع‌کننده انقلاب - حضوری جدی دارد، به تاریخ ۱۹ دی ۱۳۵۶ - با قیام مردم قم بر ضد مقاله توهین‌آمیزی با نام مستعار احمد رشیدی مطلق - آغاز شد.

دوره نخست، یعنی انفجار انقلابی، از این تاریخ آغاز شد و با دستیابی به پیروزی در بهمن ۱۳۵۷، توانست رژیم کهن را فروپاشد. این «واقعیت پیروزی» بود که با انتخابات ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ و رأی مردم به «جمهوری اسلامی ایران» امضا شد و پایان پذیرفت؛



و استقرار رژیم جدید، پایانی بر دوران و فصل انفجار انقلابی بود. کارکردهای چهارگانه انسجام عاطفی، بازآفرینی فرهنگی در شکل‌بخشی و محتوا دهی به استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، معناسازی مورد نیاز برای نظام تازه‌تأسیس و ایجاد انسجام اجتماعی در پرتو آن، کاملاً خود را به نمایش گذاشت؛ و زمان بروز و حضور بسیار کوتاه این دوران و این پایان، بس مهم، نشان‌دهنده تأثیر تسریع‌کنندگی ایدئولوژی اسلام انقلابی است.

دوره دوم «وضعیت انقلابی» است. انقلاب ادامه می‌یابد و پس دوران انفجار انقلابی فصل دوم انقلاب آغاز می‌شود؛ ویژگی این فصل بازتعریف نهادهای کلاسیک مورد نیاز باقی‌مانده از رژیم کهن است؛ و چهره دیگر این فصل مهندسی سازمان‌ها و نهادهای جدید مورد نیاز است.

بازتعریف نهادهای سنتی و تأسیس سازمان‌ها و نهادهای مورد نیاز انقلابی و «نهادینه کردن انقلابی» این سازمان‌ها در دوره وضعیت انقلابی انجام می‌شود. این دوران در انقلاب اسلامی ایران حد فاصل زمانی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا ۲ خرداد ۱۳۷۶ را در بر می‌گیرد. تلاش دولت‌های انقلابی در نظام جمهوری اسلامی ایران و بیشترین انرژی هدایت‌شده در این سال‌ها متوجه دستیابی به پیروزی در این مهم در فضای انقلابی و بروز مسائل ناشی از جنگ تحمیلی است. مسلم است که در این دوران نیز، چه در انجام دادن این مهم و چه در تقابل با مسائل ناشی از تحولات ضدانقلابی و تحمیل هشت سال جنگ بر ملت ایران، دین و تفسیر انقلابی از گزاره‌های دینی در جهاد تدافعی، تأثیری بسزا و انکارناپذیر دارد. این در حالی است که در چنین بافت موقعیتی مخاطره‌انگیزی، تأثیر تسریع‌کنندگی «دین» در نهادینه شدن سیستم‌ها و نهادهای تازه‌تأسیس انقلابی، بر هیچ ناظر منصفی پوشیده نیست.



فصل سوّم انقلاب‌ها، فصل «انتظار انقلابی» است که محصول به فرجام رسیدن «وضعیت انقلابی» و موفقیت در این دوران است. این فصل بسیار حساس و مخاطره‌انگیز است؛ چراکه فربه شدن «نیازها»، ارتفاع‌پذیری سطح توقعات و شتاب‌پذیری تبدیل «خواسته‌ها» به «نیازها» در این دوران روی می‌دهد؛ و نظام انقلابی را در معرض بزرگ‌ترین آزمون انقلابی در پس از پیروزی انقلاب قرار می‌دهد؛ مکانی از جغرافیای زمانی پس از پیروزی، که انقلاب را در معرض «امتحان جامع» برای حصول به پیروزی حقیقی در فصل بعد قرار می‌دهد. پیچ خطرناک انقلاب‌ها در این زمان هویدا می‌شود که از یک منظر با بالا رفتن میزان فشارهای درونی و برونی بر نظام حاکم در ساحت «اثبات کارآمدی» آن، خطر «مرعوب شدن» را در پی دارد؛ و از منظر رودرروی آن، به دلیل نهادینه شدن نهادهای انقلاب و دستیابی به لایه‌های به نسبت متراکم از «موفقیت»‌ها در عرصه واقعیت پیروزی، خطر «مغرور شدن» را با خود به همراه می‌آورد.

نظام‌های انقلابی در این دوره باید کارآمدی‌های خود را در پاسخگویی به نیازهای واقعی و خواسته‌های حقیقی مردمی که در انقلاب از جان، مال و آبروی خود هزینه کرده‌اند؛ به نمایش گذارند. در این دوره نمی‌توان پی‌بن دست نیافتن به موفقیت را به رژیم گذشته نسبت داد. از این دیدگاه، مخاطره‌انگیزترین جغرافیای زمانی پیروزی انقلاب در این دوره رخ نشان می‌دهد. این دوره از ۲ خرداد ۱۳۷۶ تا اکنون در انقلاب اسلامی ایران ادامه دارد.



فصل چهارم انقلاب‌ها، پژواک موفقیت انقلاب در ثابت کردن کارآمدی نظام جدید در بهره‌مندی از واقعیت پیروزی، و پشت سر گذاردن فصول سه‌گانه پیش‌گفته در حصول به «حقیقت پیروزی» است. در این نگرش موفقیت نظام انقلابی در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، زمینه‌ساز بروز حالت انعکاس - اعتماد فزاینده به نظام انقلابی - است که سرانجام، به نهادینه شدن خود انقلاب و حصول به پیروزی حقیقی منجر می‌شود.

این در حالی است که در صورت موفق نشدن انقلاب‌ها در این آزمون جامع، زمینه‌های وضعیت انعکاس - اعتراض - آماده می‌شود؛ و انقلاب و نظام حاصل از آن در برابر مشکلات جدی ناشی از فقدان مدیریت لازم برای عبور از این پیچ خطرناک قرار می‌گیرد.

بی‌تردید وجود چهارگانه کارکردهای نهاد دین و رهیافت تسریع‌کنندگی و مهم‌تر از آن، تسهیل‌کنندگی و هدایت‌کنندگی آن می‌تواند بزرگ‌ترین «بنیاد قدرت» انقلاب‌ها در گذار از این پیچ خطرناک و قبولی در این آزمون جامع باشد.

این نظریه در نیمه نخست دهه ۱۳۸۰ نگاشته شد و اولین اثر آن برای ورود به آستانه فصل چهارم در سال ۱۳۸۸ خود را نشان داد. در یاد دارم وقتی سال ۱۳۸۷ آن را در کنفرانسی با حضور بعضی از آقایان بیان کردم و پیش بینی نمودم که از سال ۱۳۸۸ وارد این تونل خواهند شد رئیس وقت صدا و سیمای آن دوره گفت: «پائین تر از دیپلم بگو تا ما هم بفهمیم». او سخنران بعدی این همایش بود.



اکنون تحت اثر دهه ها گذار تاریخی پرهزینه در ایران زمین اومانيسم رهایی متکی بر نسل A است. ۲۸ آدمیت ایرانی از درون سال ها زیست تجربی در زمانه ی گذار بحران زا و بحران زی در ایران سده اخیر در بیش از صد سال پیش از این - ۱۹۰۵ تا ۲۰۲۵ - را دربرخواهد گرفت.

این زمانه کمی نیست. محدودسازی آن چه در ایران امروز می گذرد به یک یا دو دهه پیش آدرس دهی اشتباه به اکنون و فرداها است.

کاپلان می نویسد: «ایران نه یک، بلکه با دو منطقه وسیع تولیدکننده انرژی روبرو است، خلیج فارس که خطوط کشتیرانی از آن تابش می کند و دریای خزر که خطوط لوله نفت و گاز از آن می آیند. این کشور بیش از هر کشور دیگری در خاورمیانه دارای ذخایر گازی است و از نظر ذخایر نفتی پس از عربستان سعودی در رتبه دوم قرار دارد.».

این بخشی از موضوع است. من پیش تر گفته ام: «ایران گلوگاه تضمین قدرت در برابر رقبا در هلال هارتلند - ریملند بزرگ است. نفت برای آمریکا کالای استراتژیک نیست ولی جغرافیای ایران دارای کدژئوپلیتیک و ژنوم ژئواستراتژیک برای نظم آینده جهانی است. در قرن بیستم از آن رونمایی شد. اکنون این امر به تحکیم می رسد.

تثبیت ان می تواند به دست ملت ایران باشد.»^{۲۹}

²⁸ <http://barikhnews.com/%D8%AC%D9%86%D8%A8%D8%B4-%D9%86%D8%B3%D9%84-%D8%A7%DB%8C-a-2/>

²⁹ <https://www.namehnews.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85%DB%8C-3/255406-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DA%98%DB%8C-%D8%A2%DB%8C%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7>

<https://khabarfarsi.com/u/50463677>

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1977541/%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7-%D9%88-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%88%D9%86%D9%84-%D8%A8%D8%B1%D8%AC%D8%A7%D9%85>



ایران بهترین شریک استراتژیک برای آمریکا در برابر اروپا و چین است. اروپا با ایران در کنار آمریکا با برجسته شدن قدرت چین سازگار می شود. چین از هم اکنون برای جبران آن چه احتمال دارد رُخ دهد. در حال بازبینی سیاست های خود نسبت به ایران است.

کاپلان به درستی به این موضوع توجه دارد. او همه بازی را باز نمی کند. بازنده های دیگر نگران هستند. کاپلان می نویسد: «**چینی ها اهمیتی نمی دهند که ایران دموکراتیک باشد و رژیم جدید ایران نیز خواهان توسعه بیشتر خطوط حمل و نقل زمینی - راه آهن، جاده و خطوط لوله - به چین است. چین ایران پر جنب و جوش، حتی با نیت خوب، اعراب خلیج فارس را به اندازه کافی عصبی می کند که نیاز به حمایت ایالات متحده در چارچوب امنیتی جدید داشته باشند.**»

من در این مورد تردیدی ندارم که آمریکایی ها در این زمینه کم بدیل هستند. با یک تیر چند هدف را می زنند. در دهه های گذشته مجرب تر شده اند. نسل دوم استراتژیستین های آنها در سده اخیر بعد کسینجر و برژنسکی خلاق تر هستند. در حالی که نمی توانند مانند آن ها بدرخشند. کاپلان در این نسل قرار دارد.



فراهمسنگان اجتماعی و شتر صفتان^{۳۰}

ورود به سال ۲۰۲۳ و آن چه در این ماه ها و سال های آتی تجربه خواهیم کرد. برای آینده ایران و ایران آینده بسیار مهم و حیاتی است. ایران را فقط یک جغرافیا نمی بینید و نخوانید. ایران جغرافیای ذهنی ای است که نومدرنیته و اومانیسم رهایی را می تواند برسازد. باور کنید بنیادهای قدرت بس مهمی در این مفهوم که قبل از این پرشیا نیز خوانده شده است. وجود دارد. سیمرغی می خواهد که سی مرغ را بفهمد.

ما در حال ورود به عصر گوی بلورین و خروج از اتاق شیشه ای هستیم. ۳۱ در باب فراهمسنگان اجتماعی و سرآمدان در کتاب "هویت خشونت‌گریزی توسعه پایدار" رساله‌یی کوتاه در باب خشونت" منتشره به سال ۱۳۸۳ سخن به میان آوردم. این بخشی از رساله دکترای جامعه شناسی سیاسی ام بود که مدرک آن در ایران قابل قبول نشد!! این سرآمدان ۳۲ را شترصفتان^{۳۳} خوانده ام.

³⁰ <http://www.didbaniran.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C-3/141155-%D8%AC%D9%86%D8%A8%D8%B4-%D9%86%D8%B3%D9%84-%D8%A7%DB%8C>

³¹ -Mehdi Motaharnia, Ensiyeh Salehi, (2017), Glassy cabin and eight arts of life in parallel reality, Revista de la Universidad Del Zulia (ISSN: 0041-8811).

<https://youngsociologists.com/%D8%A7%D8%AA%D8%A7%D9%82-%D8%B4%DB%8C%D8%B4%D9%87-%D8%A7%DB%8C-1-%D9%88-%D9%87%D9%86%D8%B1-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D9%85-2-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%DB%8C/>

³² Broad mindedness

³³ Shaftan's Camel or camels



همان گونه که بیان شد فناوری های ارتباطی و ارتباطات در این مسیر پیشران مهمی هستند که نمی توان اثرات آن ها را نادیده گرفت. اوترنت یا اینترنت جهانی و کم رنگ شدن مرزهای ملت - دولت ها و تبدیل آن ها به رسانه - دولت ها و دولت - شبکه های آینده جهانی تکثر موجود در کشورهای حاضر را به دوره میان وحدت جهانی خواهند کشید. در "آینده رسانه ها و نقش آن ها در جنبش های نوین اجتماعی" و کتاب "آینده قدرت" به شکل مبسوط به این ها پرداخته ام.

جغرافیای قدرت بار دیگر هندسه منطقه بندی قدرت را تجربه خواهد کرد. اما این بار این تجربه نسبت به گذشته ها از نظر ماهیت مفهوم قدرت متمایزتر از همیشه خواهد بود. دگرگونی تنها در هندسه جهانی قدرت نخواهد بود. بلکه در جوهره و ماهیت قدرت تکانه های مهمی روی خواهد داد.

توانایی ایران برای استفاده از فرهنگ خود برای نشان دادن قدرت سیاسی که کاپلان به آن اشاره دارد. همراه با نقش رسانه ها در این باب را می توان در این مسیر تحلیل کرد.

ورود به سال ۲۰۲۳ و آن چه در این ماه ها و سال های آتی تجربه خواهیم کرد. برای آینده ایران و ایران آینده بسیار مهم و حیاتی است. ایران را فقط یک جغرافیا نمی بینید و نخوانید. ایران جغرافیای ذهنی ای است که نومدرنیته و اومانیسیم رهایی را می تواند برسازد. باور کنید بنیادهای قدرت بس مهمی در این مفهوم که قبل از این پرشیا نیز خوانده شده است. وجود دارد. سیمرغی می خواهد که سی مرغ را بفهمد.



بررسی یک اثر آینده اندیشانه در ایران ما:

پیش‌بینی روند تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در دوران پسامهسا (۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳)

کاری از : بنیاد توسعه پایدار ایران

نویسنده: کوروش برارپور

موضوعات: آینده ایران، فرجام ج.ا. و مدل حکمرانی مطلوب در ایران

تعداد صفحات: ۳۲ص

تاریخ انتشار: ۷ دی ۱۴۰۱

ناشر: کانال تلگرامی ایران و ابرچالشهای آینده

چکیده:

✓ مقاله پیوست، یافته‌های مطالعه‌ای را ارائه می‌دهد که به تحلیل روند و پیش‌بینی آینده تحولات سیاسی- اجتماعی ایران در برش زمانی ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ می‌پردازد.

✓ مطالعات این پژوهش با هدف ارائه راه‌حلی در گذر مسالمت‌آمیز ایران از وضع موجود به وضعی مطلوب (و مورد درخواست مردم ایران) به انجام رسیده است.

✓ مطالعات این پژوهش در صدد ارائه پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

۱) آیا ایران در زمان اکنون در وضعیتی انقلابی قرار دارد؟



- ۲) آیا جنبش‌های اعتراضی ایران از نوع جنبش‌های اجتماعی انقلابی‌اند؟
- ۳) آیا خیزش‌های اعتراضی مردم ایران در ۱۴۰۱ به بعد، موجودیت نظام ج. ا. ا. را نشانه رفته‌اند؟ (یا کلیت آنرا؟)
- ۴) خیزش‌های اعتراضی مورد بحث، مطالباتی از نوع اصلاح را طلب می‌کنند یا تغییرات رادیکالی از جنس اسقاط را؟ و چرا؟
- ۵) وقوع کدامیک از آینده‌های زیر برای نظام سیاسی مستقر در ایران (ج. ا. ا.) محتمل‌تر خواهد بود و با چه احتمالی:
- الف) سرنگونی؟، ب) فروپاشی؟، پ) واژگونی؟ یا ت) ماندگاری؟
- ۶) آیا وقوع محتمل‌ترین گزینه در بند ۵، آینده‌ای با دگرگونی‌های مثبت را برای ایران رقم خواهد زد؟ اگر آری، تحت چه شرایطی؟
- ۷) نهادسازی مدنی برای گذر مسالمت‌آمیز ایران از وضع موجود چگونه می‌تواند جامعه آن کشور را از تله خودویرانگری برهاند؟

✓ یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد: نظام ج. ا. ا. در رابطه سیستمی‌اش با مردم ایران، طبیعت، نظام جهانی (و حتی کارگزاران و رهبران‌اش) اغلب در نقش «آزارگر» از شریکان سیاسی-اقتصادی و اجتماعی‌اش «قربانی» می‌گیرد.

✓ شهروندان معترض ایرانی در نقش قربانی و در اعتراض به چنین دو نقشی (آزارگر و قربانی) دست به خیزش‌های ناگهانی (و غالباً انفجاری) با دوره‌های تکرار کاهنده و دوره‌های کاری فزاینده می‌زنند.



✓ بر پایه مطالعات این پژوهش؛ رفتار اعتراضی مردم ایران از یک دنباله هندسی با قدر نسبت یک‌چهارم پیروی میکند.

✓ پایش جملات دنباله مورد اشاره که هر یک نمایانگر یک دوره از خیزش‌های اعتراضی است نشان میدهد: محتمل است خیزش خشونت‌پرهیز بعدی مردم ایران، (۵/۸ ماه پس از خیزش سراسری مهر ۱۴۰۱) در نیمه دوم خرداد ۱۴۰۲ رخ دهد.

✓ در ادامه چنین روندی محتمل است؛ این خیزش‌ها پس از تکرارهای پیاپی در برش زمانی آمداد تا شهریور ۱۴۰۲، نهایتاً در مهر ۱۴۰۲، در سطح قانون ۳/۵٪، در وضعیت پایانی خود حول مقدار نهایی‌اش به تعادل ناپایدار برسد.

✓ قانون ۳/۵٪ به وضعیتی اشاره دارد که جمعیت معترضان در پایتخت به ۳/۵٪ از کل جمعیت ایران برسد.

✓ بر مبنای یافته‌های تکمیلی این مطالعه؛ ج. ا. پس از طی پنج نیمه‌عمر به ترتیب در تیر ۸۸، آذر ۹۸، آبان ۱۴۰۱، شهریور ۱۴۰۲ و تیر ۱۴۰۳ (و بدون طی نیمه‌عمر ششم) احتمال سرنگونی‌اش از کمابیش ۵۳٪ در شهریور ۱۴۰۲ به حدود ۱۰۰٪ در تیر ۱۴۰۳ رو به فزونی می‌رود.

✓ با توجه به بی‌انسجامی اپوزسیون، احزاب و گروه‌های سیاسی ایران در شرایط کنونی؛ راه‌حل پیشنهادی این پژوهش جهت نایل آمدن مردم ایران به مطلوب‌هاشان بر شکل‌بخشی به نهادی مدنی به‌منظور هدایت سازوکارهای تغییر در عصر پسامهسا (و در گذر از ج. ا.) تاکید دارد.



✓ مطالعه امکان‌سنجی این پژوهش حول انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از ج. ا. به مردم ایران در دوره گذار با هدایتگری یک نهاد مدنی مستقل داخلی (اشاره شده در بالا)، احتمال همکاری بازیگران سوی حکومت با آن نهاد را (دست‌کم تا یکم دی ۱۴۰۱)، محتمل نمی‌داند.

✓ بنابراین محتمل است رهبران ج. ا. چون گذشته با درپیش‌گیری رویه‌های لجبازانه به سیاست مدارا و مصالحه با مردم ایران روی نیاورند. این امر سبب می‌شود تا ج. ا. زیر فشار آبربحرانی دامنه‌دار و مدت‌دار و در فرایندی غیرمسالمت‌آمیز، پس از طی زمانی کمابیش نه ماهه (از مهر ۱۴۰۲ تا تیر ۱۴۰۳) به فرجام سرنگونی دچار شود.

✓ یافته‌های این پژوهش در صورتی معتبر خواهد بود که سه فرض زیر برقرار است:
۱) محتمل است جنبش‌های اعتراضی ایران از حمایت‌های نظام جهانی و همراهی معترضان خاموش (ساکت) و خاکستری برخوردار شود

۲) مرگ فردی کلیدی در ایران (یا عدم قطعیتی مشابه آن) که موجب بالا رفتن شتاب و شدت تحولات سیاسی- اجتماعی آن کشور می‌شود و لحظه اوج اعتراضات را به زمانی جلوتر پیش می‌اندازد، در برش زمانی ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳ محتمل نباشد.

